

## چگونگی وقف و موقوفات گناباد در سال‌های ۱۲۸۵-۱۴۳۵ق

تکتم یارمحمدی\*، جمشید نوروزی

مربی گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۲/۱۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۰۱/۲۳)

### Endowing and Endowments of Gonabad in the Years 1435 to 1435 AH

Toktam Yarmohammadi, Jamshid Nowroozi

Lecturer of the Department of History, Payam-e Noor University;  
Associate Professor of the Department of History, Payam-e Noor University

Received: (2017. 05. 01)

Accepted: (2018. 04. 12)

#### Abstract

*Waqf* is one of the old institutions of Iranian society which has been linked with the religious beliefs of Iranians and, on the other hand, has influenced the ups and downs of the events and developments of Iran.

The present study intends to investigate and analyze the contents of the records of the Gonabad endowments and its functions during the period from 1285 to 1435 AH, which cases and in what areas have been made in Gonabad?

The contents of the documents in the Gonabad Endowment Administration indicate that most of Gonabad's endowments and its functions were carried out between 1285 and 1325 AH, and the *waqf*'s institution has declined in the last fifty years.

Most of the endowments of this area include the endowment of water and land for the mourning of Sayyed al-Shohada and Muharram. Also, *Waqf* has been considered for Imam Reza, the construction of mosques and other public buildings.

This research is descriptive-analytical and based on the contents of the documents of the endowments in the Gonabad Endowment Office, as well as the contents of some books.

**Keyword:** *waqf*, *waqef* (sombdoy who makes an endowment), endowments, Gonabad, documents.

#### چکیده

وقف، از قدیمی‌ترین رسوم ایرانی‌ها است که با عقاید دینی آنان عجین شده است و از طرف دیگر تحت تأثیر فرازها و فرودهای تاریخی و توسعه ایران قرار گرفته است. این مطالعه در نظر دارد با بررسی و تحلیل مندرجات اسناد ثبت شده موقوفات گناباد و عملکرد آنها در فاصله زمانی سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۴۳۵ ق در یابد که موقوفات انجام یافته در گناباد شامل چه مواردی و در چه زمینه‌هایی بوده است؟

مندرجات اسناد موجود در اداره اوقاف گناباد، مبین آن است که بیشترین وقفیات گناباد و توابع آن طی سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۲۵ق، انجام گرفته و وقف در پنجاه سال اخیر کاهش یافته است.

بیشتر موقوفات این منطقه، شامل آب و زمین برای سوگواری و عزیزی سیدالشهدا و ایام محرم است. همچنین، وقف برای امام رضا، ساخت مساجد و دیگر ابنیه عام المنفعه نیز مورد توجه بوده است.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای محتویات اسناد موقوفات موجود در اداره اوقاف گناباد و نیز مندرجات برخی کتب صورت گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** وقف، واقف، موقوفات، گناباد، اسناد.

## ۱. مقدمه

میل به جاودانگی و نیکوکاری در سرشت بشر، به صورت خدادادی، نهفته است و آدمی همواره برای جاودانه زیستن و نیکوکار شناخته شدن می‌کوشد. یکی از مواردی که تاحدودی پاسخگوی این دو خواسته درونی انسان است، یادگاری ماندگار و صدقه‌ای جاوید به نام «وقف»<sup>۱</sup> است که در گذشته‌های بسیار دور و در تمدن‌های کهن ریشه دارد. به طوری که در تفکرات زرتشت، خیرخواهی و کمک به دیگران تحت عنوان گهنبار هر ساله صورت می‌گرفته است و مردم کمک‌های خود را به تهیدستان و ناتوانان عرضه می‌داشتند (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۲۶۵). این آیین نیک در سرزمین ایران با ظهور اسلام رونقی تازه یافته و با اثرپذیری از جهان‌بینی اسلامی و برخورداری از پشتوانه احکام شرعی، به صورتی استوار و جهت‌دار، در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به جریان خود ادامه داده است. خداوند در آیه‌های متعدد قرآن کریم، مؤمنان را به پرداخت صدقه و انفاق مال تشویق و ترغیب می‌کند، که از این راه بتوانند سعادت آخرت خویش را فراهم کنند. یکی از مطلوب‌ترین صدقات، وقف است که در مقایسه با

دیگر صدقات از ویژگی‌های جاریه بودن و استمرار داشتن پاداش برای وقف‌کننده برخوردار است. واقفان همواره انگیزه‌های مختلفی برای وقف داشته‌اند. اسلام، ضمن احترام گذاشتن به تمامی انگیزه‌ها، می‌کوشد سطح انگیزه‌ها را ارتقا دهد و منشأ آنها را الهی کند؛ بنابراین با تعلیم و تربیت اولیای الهی، باور و اخلاق مؤمنان را ارتقا بخشیده و وقف و انفاق را از دلسوزی و توزیع صرف عواطف به خداخواهی و خیرخواهی حق‌طلبانه تبدیل کرده و صبغه‌ای الهی به آن بخشیده است. با نگاهی به نخستین وقف‌ها در تاریخ اسلام، روشن می‌شود که بنیان‌گذاران نهاد وقف اسلامی، این کار را با نیت عبادت و قرب الهی انجام داده‌اند و پیامبر اکرم (ص)، امیرمؤمنان (ع) و فرزندان و اصحاب و تابعان پیامبر اکرم (ص)، با این نیت، سنت نیکوی وقف را انجام داده و سرمشق جامعه اسلامی برای دوره‌های بعدی گردیدند.

در قرون بعد از ظهور اسلام، ایرانیان مسلمان به عنوان بخش مهمی از جامعه اسلامی، با تشکیل حکومت‌های نیمه‌مستقل طاهریان، صفاریان و سامانیان، اوقاف را مورد توجه قرار دادند (لمبتون، ۱۳۴۵: ۸۱). دوره آل بویه، از نظر اوقاف، دورانی درخشان به حساب می‌آید. املاک زیادی در شهرهای بزرگ ایران در دست سازمان اوقاف قرار گرفت و تشکیلات آن منظم‌تر و پایدارتر شد (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۲۶۸، ۱۲۶۹). از دوره سلجوقی تا یورش مغول به ایران هم بناهای عام‌المنفعه زیادی ساخته شد و در دوران وزرای همچون خواجه نظام‌الملک طوسی تشکیلات اوقاف رونق خوبی داشت (پطروشفسکی، ۱۳۵۵: ۲/۴۷). در دوره صفویه جریان وقف بین مردم عمومیت کمتری داشت و بیشتر بین طبقات مرفه مثل بازرگانان، علما و درباریان برقرار

۱. وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن (عمید، ذیل واژه) و در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا است. برخی از فقها معتقدند، وقف حبس عین بر ملک خدای تعالی است (عبدالکبیری، ۱۳۶۶: ۱/۵۳).

۲. به عنوان نمونه خداوند در آیه ۹۲ سوره آل عمران می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید، به طور قطع خداوند متعال به آن دانا است».

بود. نادرشاه افشار، پس از رسیدن به قدرت، تمام درآمدهای وقفی را ضبط کرد و به مصرف ارتش رسانید و همین امر باعث کینه‌توزی روحانیون نسبت به او و تضعیف جایگاه وقف در این دوره شد (سوزنجی، ۱۳۹۳: ۸۰). در دوره زندیه کریم خان تلاش کرد دوباره به احیا و تأیید اوقاف پردازد و در این زمینه وزارت اوقاف را در سال ۱۱۷۷ق، ایجاد کرد (شیخ‌الحکامی، ۱۳۷۸: ۲). نهاد اوقاف در دوره قاجار، به‌خصوص از دوره ناصرالدین‌شاه، مورد توجه قرار گرفت و وقف بین تمام اقشار جامعه رواج یافت. پس از پیروزی مشروطیت، با امضای مظفرالدین‌شاه (۱۲۵۸ق)، اداره اوقاف کار خود را آغاز کرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳ / ۱۸۰۹-۱۸۱۰) و نهاد وقف هم به لحاظ جایگاه و مفهوم تغییر کرد. گسترش نهاد روحانیت و افزایش نفوذ ایشان باعث رشد وقف و سبب توسعه جامعه و نظام اجتماعی شد (بصیرت‌منش، ۱۳۵۷: ۶۲). در سال ۱۳۴۳، به موجب قانونی مشتمل بر ۸ ماده و ۳ تبصره، اداره کل اوقاف به سازمان اوقاف تبدیل شد و در هر شهر اداراتی از این مجموعه مسئول رسیدگی به امور اوقاف بودند (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸: ۳۵).

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل وقف در گناباد در دوره معاصر پرداخته است. با توجه به اسناد باقی مانده از انواع وقفیات در گناباد می‌توان پی برد مردم این منطقه نسبت به این سنت نیکو بی تفاوت نبوده و دارای انگیزه قوی برای انجام کارهای خیر بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد مردم در گناباد با وقف دارایی‌ها و املاک خویش که بیشتر هم شامل آب، زمین کشاورزی، درختان و خانه بود؛ به پیشرفت فرهنگی، اجتماعی و گسترش نهاد مذهبی پرداخته‌اند و فرهنگ وقف بین مردم منطقه رواج

داشت.

در اسناد وقف شده گناباد، مواردی از جمله هویت واقفین، تاریخ وقف، مورد وقف، مورد مصرف، زمان مصرف و مکان مصرف بررسی خواهد شد. به این منظور، اسناد متعددی از سازمان اوقاف گناباد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سؤالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود عبارتند از: ۱- وقف طی دوره معاصر در گناباد چه جایگاهی داشته است؟ ۲- به لحاظ کمی و کیفی میزان وقف چه نوساناتی داشته است؟ ۳- سرانجام علت کاهش و کم توجهی به سنت وقف در دهه‌های اخیر چه بوده است؟ بر این اساس می‌توان گفت، با توجه به برخورداری از احکام شرعی و آثار معنوی وقف، بیشترین کارکردها و موارد مصرف موقوفات در گناباد به سه دسته کلی مذهبی (امور مربوط به برگزاری سوگواری، اعیاد و غیره)، اجتماعی (امور مربوط به تعمیر، نگهداری و ساخت مراکز درمانی، بهداشتی و آموزشی)، و خیریه (کمک به فقرا، مستمندان، در راه ماندگان و یتیمان)، تقسیم می‌شود. در جغرافیای تاریخی، گناباد از جمله شهرهای کهن ایران است که قدمت آن به چند هزار سال قبل می‌رسد. بنا بر آنچه جیهانی در باره گناباد در کتابش آورده «نواحی آن همچون قاین و جنابذ و تون و خور و خوسف، طبس کریت و طبس مسینان می‌باشد... و جنابذ بزرگتر از خور است و بنای ایشان از گل و آن را دیه‌ها و روستاها، آب ایشان از کاریز، و آن را حصار و قهندز خراب است.» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰). آب و هوای آن منطقه گرم و خشک بوده و شاید یکی از دلایل اشتها گناباد به گنبدآباد، ساختن خانه‌های گنبدی، با توجه به اقلیم و شرایط آب و هوایی آن، بود (سعیدیان، ۱۳۶۲: ۸۲۴). گناباد

پرداخته‌اند، هنوز تاریخ وقف و فراز و فرود آن در شهرهای کوچکی چون گناباد، آنگونه که باید و شاید بررسی نشده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در مورد سنت وقف در اسناد تاریخی دوره معاصر گناباد تاکنون پژوهش جامع و مستندی صورت نگرفته است، اما در سال‌های گذشته چند مقاله چاپ شده که به صورت کلی به وقف در ایران پرداخته است. پژوهشی تحت عنوان «تأثیر نهاد وقف در پایداری حسینیه‌های عصر قاجار بیرجند (مطالعه موردی حسینیه بی‌بی عروس)»، نوشته مرضیه فاریابی و دیگران، به تأثیر نهاد وقف در پایایی و ماندگاری بناهای اسلامی و زنده نگه‌داشتن این سنت پسندیده می‌پردازد. حمید ژیان‌پور در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اسناد کمک‌های مالی آستان قدس به زائران ایرانی در دوره قاجار، با استفاده از روش تحلیل محتوا (بازه زمانی ۱۲۶۴ تا پایان ۱۳۰۰ق)»، براساس اسناد موجود، کمک‌های مالی که آستان قدس رضوی، به صورت جنسی و نقدی، در اختیار زائران امام رضا قرار می‌داده، را بررسی می‌نماید. مقاله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد؛ «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، تألیف پروانه شاه‌حسینی است. در این مقاله نویسنده به گسترش وقف و اهداف تشیع‌محور آن در دوره قاجار و پهلوی توجه خاصی داشته است. مقاله «نگاهی به وضعیت امور خیریه رشت در دوران قاجاریه»، اثر الهام ملک‌زاده است که براساس بررسی اسناد، به نمونه‌هایی از موارد وقف شده در شهر رشت در دوره قاجار می‌پردازد.

همچنین «بررسی چند سند مربوط به وقف آب

یکی از مناطق جنوب خراسان است که در سال ۱۳۱۶، تبدیل به شهر شد؛ با این تفاوت که قسمت‌های زیادی از نواحی مرکزی شهر را بافت قدیمی تشکیل می‌دهد. این شهرستان از شمال شرقی به تربت حیدریه، از شمال غربی به کاشمر، از جنوب شرقی به قاینات و از جنوب غربی به فردوس محدود است (زمانی، ۱۳۷۳: ۳).

زمان مورد بررسی در پژوهش، در محدوده قرن ۱۳ق، و هم‌زمان با دوره حکومت مظفرالدین شاه قاجار است. ایل شیانی عرب که از ایلات خمسه ساکن در استان فارس بودند، بنا به دلایلی، با قاجاریه از در مخالفت درآمدند. آنها به شرق کشور مهاجرت کرده، گناباد و طبس را در اختیار گرفتند و به عنوان حاکمان محلی بر آن منطقه چیره شدند. در اواخر حکومت قاجار، نیابت حکومت گناباد بر عهده شخصی به نام حاج حسینقلی بیگ، دست‌نشانده حاکم طبس بود. پس از او پسرانش نیابت حکومت گناباد را بر عهده داشتند. در سال ۱۳۰۰ق، یکی از سران طوایف تیموری به نام عباس‌خان سالار اشجع، که از طرفداران محمدتقی‌خان پسیان نیز بود، حکومت گناباد را در دست داشت (پاپلی یزدی، ۱۳۸۸: ۹۶).

ضرورت تحقیق حاضر از آنجا ناشی می‌شود که علی‌رغم اهمیت اجتماعی و اقتصادی وقف و نقش آن در شکوفایی اقتصادی و فقرزدایی، در حال حاضر این سنت نیکوی الهی کم‌رنگ شده و امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که بخواهد بخشی از اموال خود را برای برطرف کردن نیاز افراد مستحق، یا صرفاً جلب رضایت خداوند، اختصاص دهد. همچنین با وجود برخی تحقیق‌های انجام شده که عمدتاً به تاریخ وقف در یک مقطع در کل کشور

افطار مؤمنین در عید غدیر جایگاه ویژه‌ای دارد و املاک بسیاری به این امر اختصاص یافته است. موارد متفرقه نیز شامل امور معیشتی والدۀ وقف، قرائت قرآن و اجارۀ نماز و روزه برای مدتی معین و برای شخصی خاص، مخارج و مصارف حمام‌های عمومی، روشنایی مسجد، امور معیشتی مؤذن و امام جماعت و دستمزد معلم کلاس، جهت تدریس اطفال فقیر، می‌باشد.

بر مبنای وقف‌نامه‌ها در گناباد، میزان املاک و دارایی‌های مردم گناباد، از جمله خانه، زمین، آب، درآمد زمین و باغات برای مدت معین و ... از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۵ق، ۴۰ درصد و به تعداد ۱۵۶ برگ سند، بیشترین میزان وقف را به خود اختصاص می‌دهد. در مرحله بعد، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ق، ۲۷ درصد و به تعداد ۱۰۷ برگ سند از کل اسناد بررسی شده مربوط به این سال‌ها است. در مرحله سوم که از سال ۱۲۳۵ تا ۱۲۸۵ق، طول کشید ۲۱ درصد کل اسناد با تعداد ۸۲ برگ سند به این بازه زمانی متعلق است. در آخرین ترتیب بررسی اسناد، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۳۵ق، ۱۲ درصد کل اسناد این دوره زمانی و تعداد ۴۹ برگ سند مورد بررسی قرار گرفته است. طبق این دسته‌بندی نتیجه چنان می‌شود که بر اساس تعداد اسناد وقف شده در سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۵ق، بیشترین میزان وقف در گناباد صورت گرفته است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی و فرهنگ مردم» و «وقف به تعزیه»، نوشته جابر عناصری است. نویسنده در مقاله اول به بررسی جامعه‌شناسانۀ وقف آب در فرهنگ مردم ایران پرداخته و در پی آن است که روشن کند، چه عللی باعث شده که مردم به وقف آب بپردازند. او در مقاله دوم به بررسی موقوفاتی پرداخته که با هدف برگزاری مراسم تعزیه در ماه محرم و صفر وقف شده‌اند.

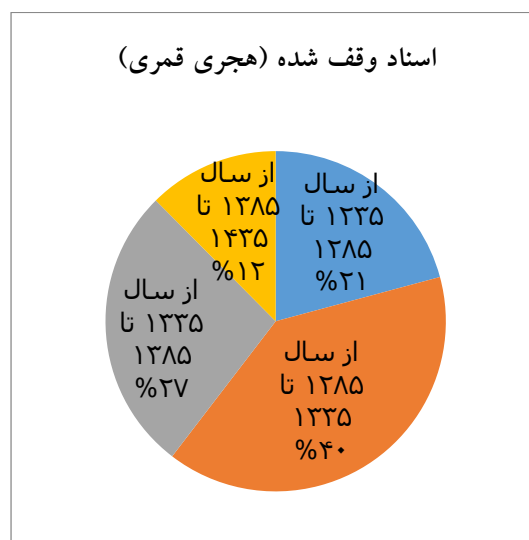
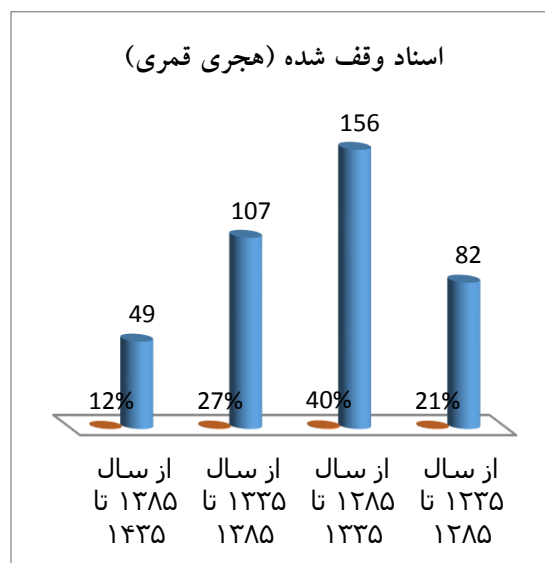
تحقیق پیش رو به بررسی مجموعه اسناد مربوط به وقف در دوره معاصر که حدود ۸۲۷ برگ سند موجود در اداره اوقاف گناباد است، می‌پردازد و جایگاه وقف، موارد وقف شده، موارد مصرفی و شرایط و ضوابط آن را بررسی می‌کند.

### ۳. نگاه آماری و محتوایی به اسناد وقف شده

پژوهش حاضر به بررسی وقف‌نامه‌های گناباد، از اداره اوقاف گناباد بین سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۴۳۵ق، و با بررسی ۸۲۷ برگ سند بر روی مواردی همچون هویت واقفین، تاریخ وقف، مورد وقف، مورد مصرف، زمان مصرف و مکان مصرف پرداخته است. مطالعه این اسناد نشان می‌دهد بیشتر موارد وقفی شامل آب، اراضی، زمین، قریه و منزل مسکونی بوده است و بیشترین موارد مصرف موقوفات به تعزیه سیدالشهدا و برپایی مراسم سوگواری محرم اختصاص دارد. اهمیت و قیامت وقفیات در این زمینه می‌تواند با رونق گرفتن این سنت از دوره ناصرالدین شاه قاجار و باورهای مذهبی مردم رابطه دو سویه داشته باشد و باعث شده مردم با ارزش‌ترین اموال خود را که خصوصاً آب بوده (با توجه به خشک و کویری بودن منطقه گناباد و کمبود منابع آبی) وقف کنند. پس از آن، در میان موارد مصرف، اطعام و

#### ۴. نحوه نگارش متن اسناد وقف شده

سبک نگارش متن وقف‌نامه‌های گناباد، مانند بسیاری از اسناد وقفی ایران، از ارزش ادبی بالایی برخوردار است. سرآغاز هر سند وقف‌نامه، با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا هُوَالْمَالِكُ بِالْإِسْتِحْقَاقِ، هُوَالْوَاقِفُ عَلَى الْأَضْمَائِرِ، هُوَالْوَاقِفُ» مزین گردیده است (سند کلاسه ۲/ب، اداره اوقاف گناباد). متن سند با حمد و سپاس پروردگار شروع می‌شود، نظیر الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْوَصِيَّةَ سَبَبًا لِنَيْلِ السَّعَادَةِ وَالْأَصْلُوَّةِ وَالْأَسْلَامِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ (سند کلاسه ۳۹/ب، اداره اوقاف گناباد)، و بعد از ستایش و درود بر پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین به هدف و غرض از تحریر وقف‌نامه پرداخته شده است. واقفین نیت‌های باطنی خویش را از وقف بازگو نموده‌اند. در این قسمت، پس از توصیف واقف و ذکر نام او، میزان و نوع رقبه یا رقباتی که شامل آب و زمین‌های کشاورزی، زمین یا منزل مسکونی، دکان، باغ و... ذکر می‌شود. مقصود از ذکر نام واقف این است که مشخص شود موقوفه را چه کسی ایجاد و وقف کرده است. به‌علاوه اسم هر موقوفه معمولاً به‌نام واقف آن است؛ برای نمونه «کربلایی محمدعلی، ولد مهدی تقی وقف مؤبد و حبس مخلد نمود» (سند کلاسه ۴/ن، اداره اوقاف گناباد). بعد از مشخص شدن نام واقف و مال وقفی، نوع مصرف یا مصارف، موقوفه مورد نظر با ذکر شرایط خاصی ثبت و ضبط می‌شود. مثلاً «بر تعزیه خامس آل عبا اعنی جناب سیدالشهداء [علیه السلام] که بعد از عشر حق التولیه، عشری خرج و صرف قربانی در عید اضحی می‌نموده باشند» (سند کلاسه ۸/ن، اداره اوقاف گناباد). سپس نام متولی و، حتی در برخی وقف‌نامه‌ها، نام ناظر معرفی می‌گردد و میزان حق التولیه و حق النظاره هم ذکر می‌شود. در سند



آنچه در اینجا به دست می‌آید این است که تا این زمان مردم با دست و دلبازی بیشتری بخشی از اموال خود را وقف می‌کردند و نمودار اموال وقف سیری صعودی داشته است. این سیر صعودی رفته رفته به نزولی تبدیل شده و در ۵۰ سال اخیر (۱۳۸۵-۱۴۳۵ق)، میزان موارد وقفی در گناباد رو به کاهش گذارده است.

در اسناد درخواستی یافت که در انتهای آنها و یا در حاشیه، از مهرهای مختلفی استفاده شده است. در واقع در حاشیه اسناد فضاهایی برای مهر منظور شده که شاهدان، ضمن درج نام خود و تاریخ وقف، مهر خود را در محل مشخص شده درج می‌نموده‌اند. علاوه بر مهر شاهدان، در برخی وقف‌نامه‌ها مهر واقف نیز دیده می‌شود. این مهرها در زیر نام واقف در متن و هم در زیر آخرین خط، زیر تاریخ دیده می‌شود. مهرهای به کار رفته در اسناد گناباد بیشتر به شکل بیضی یا مربع‌اند و در بعضی اسناد مهرهایی به شکل قطره‌ای یا گلابی هم استفاده شده است (سند کلاسه ۹۲/ب، اداره اوقاف گناباد).

نمونه دیگر از مهرهایی که در اسناد به مراتب استفاده شده، اثر نگین انگشتری است. علاوه بر مهر، امضا نیز در اسناد به وفور یافت می‌شود. امضاهای موجود در اسناد از اشکال هندسی خاصی پیروی نکرده است. افراد در وقت امضاء نام و نام‌خانوادگی خود را به طور ساده و معمولی نوشته‌اند و همین نوشتار ساده، امضاء آنها را تشکیل داده است و برخی دیگر با تغییرات جزئی در شیوه نگارش نام خود و با افزودن پاره‌ای خطوط، امضا خود را ترسیم نموده‌اند. آنچه که بیشتر در اسناد وقفی شهر گناباد دیده می‌شود اثر انگشت سبابه واقفین و یا شاهدان موقوفه می‌باشد و این خود بیانگر کم‌سوادی افراد است (سند کلاسه ۳۰/ن، اداره اوقاف گناباد).

## ۶. انواع وقف‌نامه‌ها در گناباد

معمولاً در ایران، و به‌ویژه در گناباد، وقفیات به دو صورت وقف خاص و وقف عام طبقه‌بندی شده است. وقف خاص (وقف‌نامه رسمی)، وقفی است که مخصوص گروه یا دسته معین یا خاصی باشد و

وقف مدت وقف مشخص می‌شود و منظور این است که وقف برای همیشه است یا پس از مدتی از حالت وقف خارج می‌گردد (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰: ۵۲). در بیشتر اسناد اوقاف گناباد متولیان بیشتر به این شیوه معرفی شده‌اند:

متولی شرعی عقارات مزبورات به عالی حضرت گرامی مرتبت، عمده الأشراف، میرزا عبدالله برادر صلیبی خود مفوض نمود و بعد از معظّم له اولاد ذکور عالی حضرت مرحمت و غفران‌پناه، خلد آشیان، میرزا احمد متولی خواهد بود، بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و اگر ایشان هم خدای نخواسته نباشند اولاد اناث هر یک از متولیان متولی خواهند بود، نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و تعیین متولی بعد از فوت واقف معظّمه خواهد بود ولی مادام الحیات واقف، خود واقف منافع املاک را به مصارف مزبوره خواهد رسانید (سند کلاسه ۸/ن، اداره اوقاف گناباد).

بنابراین در متن سند برای موقوفه تا چند نسل متولی مشخص می‌شود. علت این محکم‌کاری را می‌توان در نگرانی واقف از سرنوشت وقف دانست. واقفان سعی کردند با انتخاب متولیان شایسته و دائمی کردن تولای مورد وقفی در خاندان وی، از استمرار کارکرد وقف خود اطمینان حاصل کنند. در انتهای اسناد، تاریخ وقف که براساس سال قمری یا سال شمسی است و تعداد افرادی که شاهد تنظیم وقف‌نامه بوده‌اند، بیان می‌شود (سند کلاسه ۹۳/ب، اداره اوقاف گناباد).

## ۵. استفاده از مهرها بر روی اسناد

نکته دیگر در مورد اسناد وقفی گناباد، مهرهای به کار رفته در این اسناد می‌باشد. با دقت و بررسی

مصرف مال وقفی به گروهی مشخص اختصاص دارد. مورد وقف ملک موقوف علیه شده و آنان استحقاق بهره‌کشی و امتناع از آن را دارند (کرمی، ۱۳۸۳: ۶۸). در این نوع وقف، واقف دورانندیش جنبه راحتی و آسایش اولاد خود یا اولاد طبقه خاص مانند اولاد فقیر یا اولادی که مشغول به تحصیل علوم دینی و فقهی هستند را در نظر می‌گیرد و تمام یا مقداری از اموال خود را وقف آنان می‌کند. این نوع وقف‌نامه که به صورت رسمی مشخص و ثبت شده، حدود ۱۴ درصد و به تعداد ۵۹ برگ سند از وقف‌نامه‌های مورد بررسی در بازه زمانی مشخص را به خود اختصاص داده است؛ اما بیشتر وقفیات گناباد را وقف عام (وقف نامه عادی) شامل می‌شود که عبارت است از: وقفی که منافع آن عایدات موقوفه - باشد، مانند وقف بر پل‌ها، آب انبارها، خیرات و مبرات. به عبارت دیگر، وقف عام وقفی است که مصارف موقوفه مخصوص دسته و طبقه معینی نباشد (کرمی، ۱۳۸۳: ۶۸). از مجموع کل اسناد وقف شده، ۷۴ درصد و به تعداد ۲۹۷ برگ سند به وقف عام اختصاص دارد که بیشترین نوع وقفیات از آن دست است. تعدادی از اسناد که تحت عنوان رونوشت وقف‌نامه‌ها می‌باشند، ۱۱ درصد کل وقف‌نامه‌ها به تعداد ۴۳ برگ را شامل می‌باشد. در پایان سندهایی با نام وصیت‌نامه که ۱ درصد مجموع اسناد وقف شده را با تعداد ۳ برگ شامل می‌شود، می‌توان دسته‌بندی کرد.

کعبود آب و بارندگی در گناباد از قدیم‌الایام تاکنون باعث شده است که مردم به حفر چاه‌های عمیق اقدام کنند. در این میان آنها بنا به مصلحت و چاره‌اندیشی آب را تقسیم می‌کردند و نوبت حق سهم و حق آب حمام و... را صدقه و از اعمال

خیری می‌دانستند که مردم نیک‌اندیش از آن غافل نبوده‌اند. در جامعه سنتی رمز پایداری جماعت در محدوده کار در آبادی به زمین زیر کشت و آب و شیوه سنتی کاشت و برداشت وابسته است (عنصری، ۱۳۷۳: ۱۲). پس با توجه به شرایط واقفین و میزان دارایی آنها، سهم آب چاه و قنات و درآمد هر ساله آن را برای مصارف گوناگون وقف می‌نموده‌اند؛ بنابراین باید گفت بیشترین میزان وقف در گناباد وقف آب است که ۴۷ درصد کل اسناد وقف شده را به خود اختصاص داده و موارد مصارف آب نیز در وقف‌نامه قید شده است. در چند سند این‌گونه آمده است: «مجرای سه فنجان<sup>۱</sup> از قنات جاریه زیرزمینی از طاقه‌ی متصرفی خودم [وقف نمودم]» (سند کلاسه ۵۲/ب، اداره اوقاف گناباد)، یا «حاج عباس علی بیگ، ساکن مزرعه شیراز آباد: مجاری سی و سه فنجان آب از قنات جاریه و چشمه مزرعه روچین از جمله سیزده سهم معمول بین شرکاء که من بیست فنجان از مدار پنجم<sup>۲</sup> و سیزده فنجان از مدار یازدهم [اختصاص دادم]» (سند کلاسه ۷/ن، اداره اوقاف گناباد).

بعد از وقف سهم آب در گناباد، بیشترین وقف مختص به زمین‌های زراعی به اندازه ۴۲ درصد بوده که واقف جهت حمایت از رفاه عموم مردم و یا مستمندان و نیازمندان در جامعه آن را با نیت مختلف وقف کرده است. با توجه به ارزشی که زمین مزروعی در گناباد داشته، مساحت زمین‌های وقفی در این شهرستان از «من»، شروع شده و به

۱. هر فنجان معادل یک ساعت آب است که برای آبیاری زمین

زراعی استفاده می‌شده است.

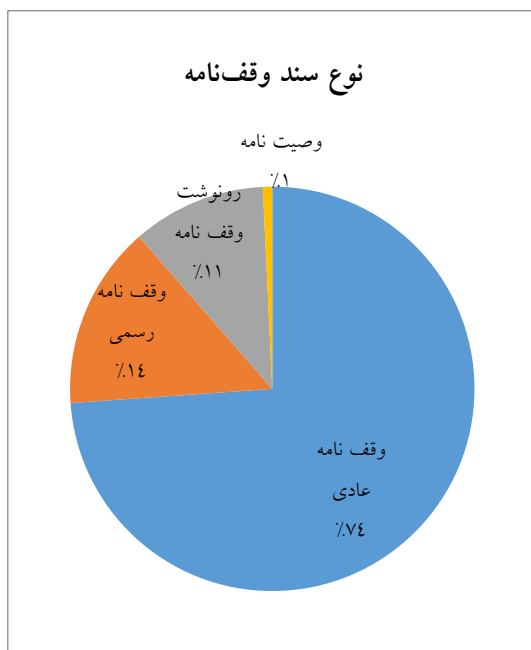
۲. هر ۵ روز یک بار آبیاری صورت می‌گرفته است.



دستگاه نوار مغز و سایر وسایل کار در مرکز فوق مشخص و صورت‌برداری گردیده باشراط و ضوابط ذیل:

معاینه و معالجه و داروی بیماران مستمند ساکن حوزه گناباد و مسافریین و افراد دیگری که از سایر نقاط به مرکز فوق مراجعه و بضاعت کافی برای درمان خود نداشته و کلاً موقوف علیهم می‌باشند از محل عایدات موقوفه تأمین گردد (سند کلاسه، ۳۱ن، اداره اوقاف گناباد).

وقف دو باب منزل و تجهیزات پزشکی جهت تأسیس مرکز بهداشتی، در دوره بعد از انقلاب، نشانگر این نکته است که مردم علاوه بر وقف برای امور مذهبی، دغدغه‌های دیگری نیز داشتند؛ از جمله تأسیس مراکز بهداشتی و درمانی برای رفاه حال مردم، که این مسئله دامنه موارد مصرف وقف را گسترده‌تر می‌کرد. همین طور اشجار و باغات و مغازه جزء اموری بود که هر کدام با تعداد اندک و به میزان ۱ درصد از وقفیات را به خود اختصاص می‌داد. به طور کل سایر موارد وقفی هم ۲ درصد کل اسناد وقف شده را شامل می‌شد.

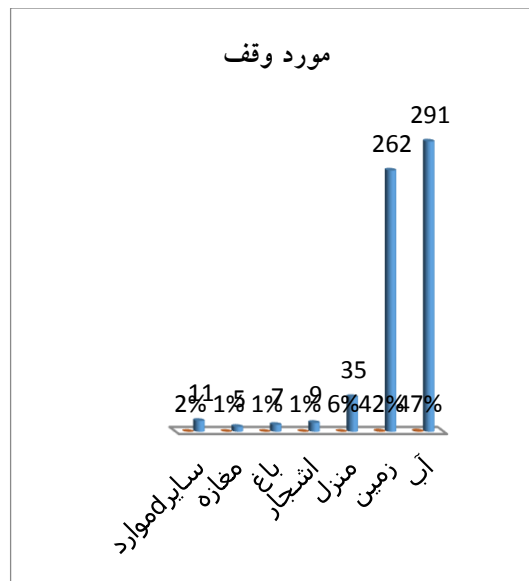
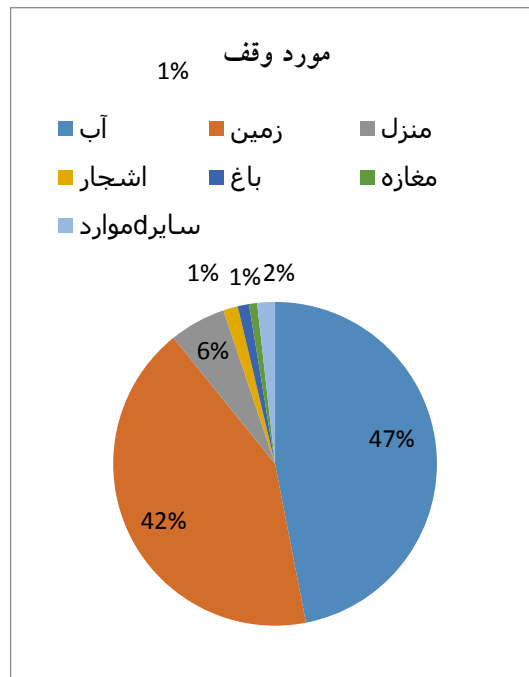


چند خروار<sup>۱</sup> هم رسیده است. برای نمونه در اسناد وقفی این‌گونه آمده است: «مساحت چهار من زمین در کشتوان سفلی [وقف نمودم]» (سند شماره ۴/ن، اداره اوقاف گناباد) و «تمامی کلّ قطعات اراضی معینّه مشروحه، واقعه در کشتوان علی آباد قصبه جناب، متصل مشهور ... به اراضی دیمه زار شهیر طاطق که مبسوط است به بسط پانزده خروار تخمیناً، محدود به حدود اربعه: حدی به دلویی غرباً و به اراضی نعمت آباد شرقاً و به نهر دیمه زار خلف دلویی شمالاً و به اراضی کشتوان علی آباد کهنه شده جنوباً، با لواحق آن و توابع آن کلاً سیما ممرّ و مدخل آن که شوارع نوقاب و بیدق و شهر در آن واقع است [وقف می‌کنم]» (سند کلاسه ۱۶/ب، اداره اوقاف گناباد). در کنار آب و زمین که دو مورد با اهمیت برای وقف در گناباد بودند، وقف منزل و زمین تجاری نیز برای کارهای عام المنفعه رواج داشت. تعداد کل اسناد وقف شده در این زمینه ۶ درصد است؛ برای نمونه شخصی به نام حاج علی نقوی‌مندی در سال ۱۳۷۶ش، دو باب منزل خود را وقف امور بهداشتی مردم گناباد می‌کند، متن سند بدین‌گونه است:

تمامت عرصه و اعیان پلاک‌های ثبتی ۳۲۲۳ از ۱۸۵۶ فرعی از یک اصلی بخش یک گناباد را که دارای دفترچه‌های مالکیت ثبت شده به شماره ۲۸۷۲۲ و ۲۷۴۵۴ در صفحه ۱۹ و ۵۲۲ دفتر املاک ۱۴۲ و ۱۳۵ گناباد می‌باشد و به نام مرکز بهداشتی - درمانی الزهراء منطقه مند نامیده شده به انضمام کلیه لوازم اداری از قبیل میز و صندلی، وسایل داروخانه، تخت معاینه و تخت‌های بیماران، یخچال، دستگاه دندان پزشکی، دستگاه نوار قلب،

۳. هر خروار معادل صد من بوده است. و صد من برابر ده هزار متر مربع است.

تاریخی و اجتماعی پیوندی ماندگار و جدا نشدنی برقرار است. در اسناد وقفی مربوط به برپایی مراسم محرم و خصوصاً عاشورا این پیوستگی همیشه بوده است. شهرستان گناباد هم بیشترین میزان مورد مصرف وقف خود را به تعزیه سیدالشهدا اختصاص داده، با بررسی اسناد موقوفات در منطقه گناباد، از مجموع کل اسناد بررسی شده در بازه زمانی معین و کار شده، نصف موقوفات یعنی ۵۰ درصد آن و چیزی حدود ۲۵۴ برگ سند مربوط به محرم است. موارد متعددی وجود دارد که واقفان با نیت برگزاری باشکوه مراسم عزاداری و نیز رفاه حال عزاداران و اطعام آنها اموال خود را وقف نموده‌اند. برای مثال «اسناد کلاسه، ۴/ن، ۵/ن، ۷/ن، ۱۳/ن، و...، اداره اوقاف گناباد»، فقط چند سند از ده‌ها سندی هستند که وقف مراسم عزاداری امام حسین (ع) شده‌اند. به طور کلی یکی از فواید و مصارف اصلی وقف، استفاده آن در جهت تحکیم مبانی اعتقادی مسلمانان و ترویج دین مبین اسلام است که این امر از طریق توسعه فرهنگ عاشورا و عزاداری امام حسین (ع) در تمام شهرهای ایران امکان‌پذیر گردیده است (میر

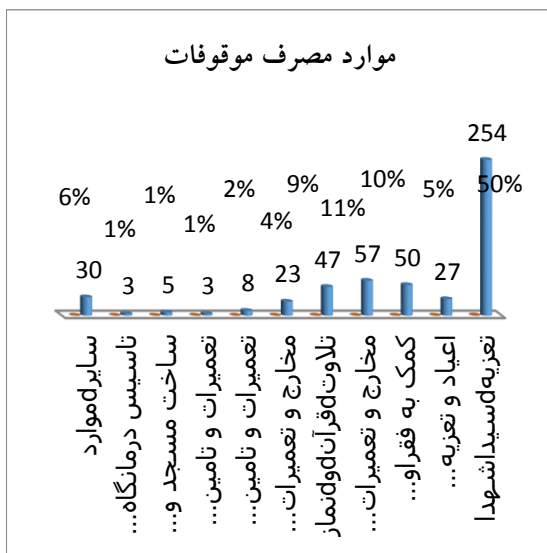
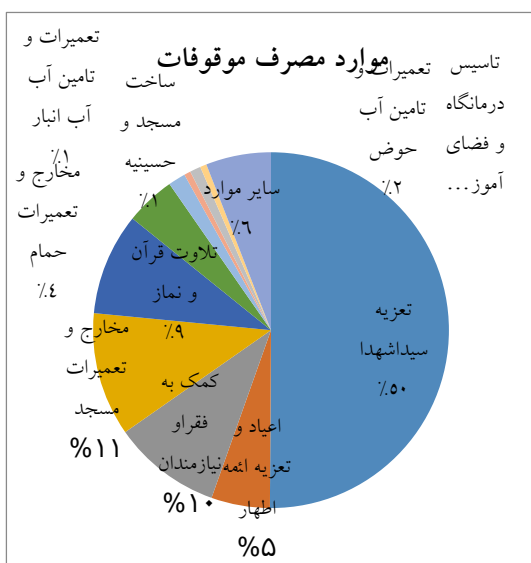


۱. برای نمونه در متن سند کلاسه ۵/ن، این‌گونه آمده است «میاه از قنات جاریه دولاب قصبه، از مدار بیست و چهارم سهم، از مدار سهم نوزدهم، مجاری بیست فنجان به قرار معمول بین الشركاء و الارباب - میاه از قنات جاریه قورژد، از سهم مرحوم حاج میرزا محمود، مجاری یک طاقه و هفت فنجان به انضمام اراضی که متعلق به همین طاقه است - اراضی واقعه در کشتوان قنات مزبوره یک قطعه مشهور به محوطه افضل، مساحت سی من - یک قطعه مشهور به محوطه خیابان کنار راه، مساحت چهل من - یک قطعه مشهور به محوطه خان‌ها، مساحت پنجاه من. مقرر آنکه فواید و عواید املاک و میاه مزبوره را هر ساله در دهه اول محرم که دهه عاشورا است متولی مزبور در ذیل، خرج و صرف عزاداران سید الشهداء - ارواح العالمین له الفداء - می‌نموده باشد».

#### ۷. موارد مصرف وقفیات در اسناد

در بررسی زمان و مورد مصرف موقوفات، بیشترین موقوفات مربوط به زمان محرم و صفر در سطح روستاهای گناباد می‌باشد. واقفان، بیشتر وقفیات خود را برای امام حسین و برگزاری مراسم عزاداری آن بزرگوار اختصاص داده‌اند. در واقع میان دو نهاد وقف و عاشورا، به دلایل اعتقادی، انگیزشی،

همچنین خیرین زمین‌هایی را برای ساخت مساجد وقف کرده و خود یا دیگران ساختمان آن را به پایان رسانده‌اند. از نکات قابل توجهی که با مراجعه به وقف‌نامه‌ها روشن می‌شود، املاک و دارایی‌های بسیاری است که واقفان یا دیگر افراد نیکوکار، وقف مساجد کرده‌اند. از قبیل خانه‌ها، مزارع، باغ‌ها و مغازه‌ها (اسناد کلاسه ۳۳/ن، ۲/ب، ۲۱/ن، اداره اوقاف گناباد).



افخمی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). در کنار وقف برای عزای امام حسین، تکریم و برگزاری مراسم عزاداری دیگر ائمه بزرگوار نیز در میان مردم گناباد رواج داشته و وقفیاتی برای مراسم آنها صورت گرفته است. تعداد ۲۷ مورد از این باب سند مورد بررسی قرار گرفته که ۵ درصد اسناد وقف شده را شامل می‌شود. مثلاً وقف آب و زمین برای مراسم تعزیه امام موسی کاظم در ۵ روز آخر ماه رجب هر سال که زمان شهادت ایشان است (سند کلاسه ۵۲/ب، اداره اوقاف گناباد) و یا وقف آب برای تعزیه حضرت زهرا(ع) در ایام فاطمیه (سند کلاسه ۳۰/ن، اداره اوقاف گناباد)، از جمله این موارد است.

بعد از آن کمک به فقرا و نیازمندان و در راه ماندگان که این قسمت از موقوفات هم ۱۰ درصد کل وقفیات را به خود اختصاص می‌دهد (سند کلاسه ۴/ن، اداره اوقاف گناباد). کمک به آموزش دانش-آموزان و تأمین نیازی‌های معلم مدرسه و هزینه فضای آموزشی ۱ درصد کل اسناد تعمیر است (اسناد کلاسه ۳۳/ن، ۲/ب، ۲۱/ن، اداره اوقاف گناباد).

بی‌شک مساجد از مهم‌ترین اماکنی مورد توجه واقفان بوده‌اند. جایگاه والای مساجد در میان مسلمانان به عنوان خانه خدا و همچنین برگزاری نماز، مراسم دعا، مراسم تعزیه‌داری ائمه اطهار و اعیاد و اقدام در مورد مهم‌ترین مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه در مساجد، باعث توجه مردم به این مکان مقدس شده و به همین جهت است که حفظ و نگهداری، تعمیرات و تأمین نیازهای مساجد همواره مورد توجه مردم گناباد بوده است. بنابراین ترمیم و مرمت مساجد ۱۱ درصد از مجموع اسناد را در این قسمت دارا است.

## ۸. متولیان موقوفات

نیز متولی و یا مشخصات وی در سند قید شده است.

نکته جالب توجه در مورد متولیان موقوفات گناباد این است که واقف به صراحت در سند قید کرده است که هرگاه متولی به مال موقوفه خیانت کرد، بلافاصله باید از تولیت برکنار و تولیت آن با دو نفر معتمد با ایمان باشد. به عنوان مثال در سند ذیل تمام این موارد قید شده است:

شصت من اراضی و سی و سه فنجان آب که منافع آن را بعد از ده یک متولی در دهه محرم، در قریه روچین خرج تعزیه سیدالشهداء نموده و تولیت و تصدی با اکبر ذکور اولاد خواهد بود و چنانچه خیانتی از اولاد سرزند از تولیت عزل خواهند بود و تولیت آن پس از ثبوت خیانت با دو نفر معتمد ظاهرالصّلاح قریه روچین خواهد بود (سند کلاسه ۷/ن، اداره اوقاف گناباد).

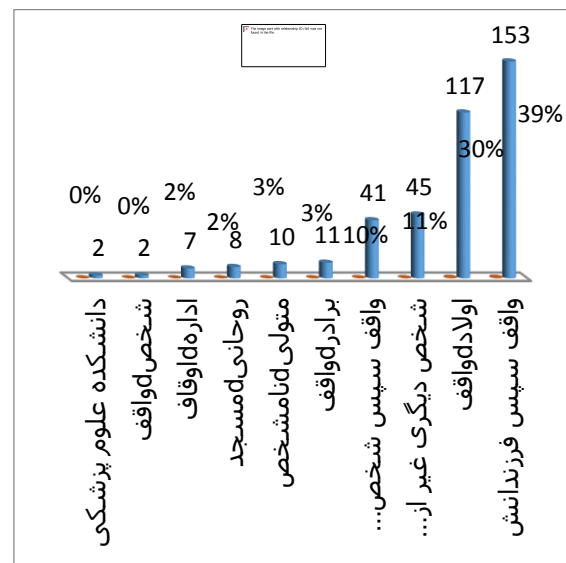
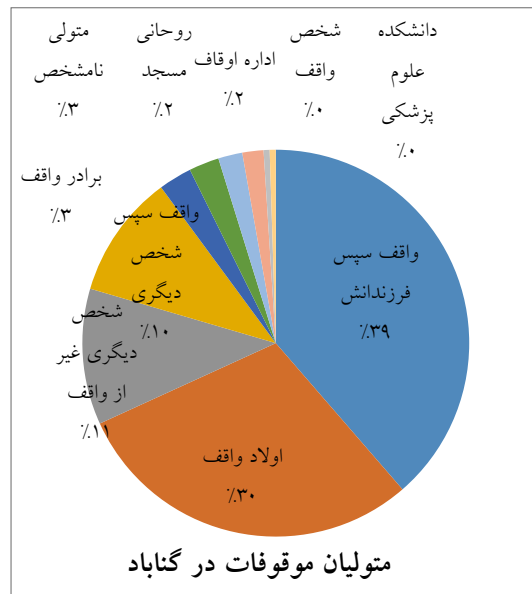
در واقع واقف با این تدبیر سعی داشته متولی را آگاه کند که تولیت او تا زمانی برقرار است که مورد وقفی در جهت درست خود هدایت و مصرف شود و هرگاه که خیانتی از او سر بزند، باید اولاً جوابگوی خیانت خود باشد و در ثانی تولیت از او گرفته خواهد شد و به فرد درستکاری واگذار می‌شود.

طبق بررسی اسناد وقف شده در گناباد، در هر سند فردی به عنوان متولی، اداره امور وقف را به عهده دارد که آن فرد توسط واقف تعیین می‌شد. حدود اختیارات متولی و وظایف و نحوه اقدام او در مدیریت امور وقف و همچنین حقوق متولی را اراده شخص واقف تعیین می‌کرد. متولیان مؤظف بودند که همواره نسبت به موقوفات چنان عمل کنند که عمران و آبادی و ازدیاد درآمد آن مقدم به هر چیزی باشد. معمولاً متولی برای انجام کارها حق الزحمه‌ای را که در وقف‌نامه برای او معین می‌شد - که معمولاً در اغلب وقف‌نامه‌ها، یک عشر از درآمد موقوفه بود - را دریافت می‌کرد. پس از مرگ واقف، بیشترین تولیت را فرزندان او، با ۳۹ درصد و تعداد ۱۵۳ برگ سند، در اختیار داشته‌اند. بعد از آن، در اکثر وقف‌نامه‌ها تولیت در اختیار اعقاب و فرزندان واقف بود که ۳۰ درصد کل اسناد و به تعداد ۱۱۷ برگ سند را شامل می‌باشد. در برخی از وقف‌نامه‌ها نیز تولیت اوقاف به فرد دیگری غیر اولاد و خاندان واقف سپرده شده است که تعداد اسناد وقف شده با تولیت افراد دیگر ۴۵ درصد و حدود ۴۵ برگ سند است. تولیت اسناد وقف شده توسط برادر واقف هم ۳ درصد و تعداد ۱۱ برگ سند از کل اسناد مورد مطالعه را در بر می‌گیرد. در اسناد، متولی مخصوص نیز فردی است که نام آن شخص در سند وقف‌نامه ذکر شده است و یا صفات مشخصی برای متولی ذکر شده که با فرد معینی منطبق گردد؛ از قبیل ارشد، اعلم، اتقی و اورع اولاد یا اعلم علمای محل و یا پیش نماز مسجد جامع و نظایر آنها (سند کلاسه ۴/ن، اداره اوقاف گناباد)، که در اسناد بررسی شده در گناباد

**تکتم یارمحمدی، جمشید نوروزی: چگونگی وقف و موقوفات گناباد در سال‌های ۱۲۸۵-۱۴۳۵ق ۴۱**

در دوره معاصر از شکوفایی خاصی برخوردار بود، زیرا بیشتر موقوفات گناباد کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی داشته و در بطن جامعه رسوخ کرده است، بنابراین توانسته جامعه گناباد را از بسیاری از چالش‌های فرهنگی و اقتصادی که هر شهر و جامعه‌ای را تهدید می‌نماید، در امان نگاه داشته و این منطقه را به سوی پیشرفت و توسعه سوق دهد. طبق آمار به دست آمده می‌توان گفت، در سنت وقف مردان نسبت به زنان پیشتاز بوده‌اند. یکی از مسائلی که در زمینه مشارکت کمتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و امور وقف تأثیر داشته، صاحب سرمایه نبودن آنان است. اما با این حال نام تعدادی از زنان واقف در اسناد بررسی شده به چشم می‌خورد که سهم بسزایی در برپایی تعزیه حضرت فاطمه(س) داشته‌اند. بررسی موضوع وقف در گناباد و مطالعه حدود ۸۲۷ برگ سند در فاصله سال‌های ۱۲۸۵-۱۴۳۵ق، نشان می‌دهد بیشترین میزان وقفیات که ۴۰ درصد آن را تشکیل می‌دهد، در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۵ق، اتفاق افتاده است و از آن به بعد سیر نزولی در وقف مشاهده می‌شود.

بیشترین وقفیاتی که مردم نسبت به مال و ثروت خویش پیش‌قدم بوده و در آن زمینه مشارکت زیادی داشتند، عزاداری ایام محرم و برگزاری مراسم مذهبی بود. وقفیات برای ایجاد مؤسسات خیریه و درمانگاه و خدمات آموزشی در مرحله بعدی قرار داشت. این میزان وقفیات با وقف مواردی همچون آب، زمین و باغ و دیگر اموال افراد صورت می‌گرفت که مردم با انگیزه



**۹. نتیجه**

از تجزیه و تحلیل اسناد به جا مانده وقف در گناباد، چنان برمی‌آید که در این محدوده تاریخی، وقف آثار گرانبهایی به جای گذاشته و شکوفایی و پویایی بی‌نظیر داشته است. آنچه در میان این اسناد خودنمایی می‌کند، اهداف واقفین و رواج و رونق وقف در میان آنها بوده است. به لحاظ کیفی، وقف

رغبت به وقف را کم‌رنگ کرده است.

۳. کم‌رنگ شدن باورهای دینی در جامعه: پیشرفت‌های علمی در دنیا باعث ارتباطات بیشتر جوامع با همدیگر شد. در این ارتباطات، جوامعی که از نظر ابزار ارتباطی قوی‌تر بودند، توانستند فرهنگ خود را بر جوامع ضعیف غالب کنند. در ایران نیز، فرهنگ و الگوهای غربی به ویژه در سال‌های اخیر باورهای دینی را در قشر جوان کم‌رنگ کرده و آنها را از هنجارهای دینی جامعه دور کرده است.

۴. نکته در خور توجه که نباید از آن غافل شد، این است که ممکن است بسیاری از مردمانی که هنوز خود یا فرزندانشان در قید حیات هستند، اسناد موقوفات خویش را در اختیار اداره اوقاف قرار نداده و آثاری از این دست در اختیار نمی‌باشد و هر گونه نقص و عدم داشتن مدرک باعث کاهش وقفیات می‌باشد.

آنچه می‌توان از شرایط وقف در گناباد در بازه زمانی بررسی شده ذکر کرد این است که اهمیت نهاد وقف بین مردم منطقه گناباد و محدوده اطراف آن تا حدود زیادی رواج داشته است. اسناد نشان می‌دهد، با اهمیت یافتن امور آموزشی، بهداشتی، مذهبی و رفاهی برای مردم منطقه و اولویت یافتن حل مشکلات در پیش روی، افراد با آگاهی از سنت وقف و تاثیرات آن بر روی زندگی و فرهنگ گناباد دست به این امر می‌زدند و با در اختیار گذاشتن اموال و دارایی‌های خود که با توجه به اقلیم منطقه که بیشتر کشاورزی بود، محصولات و زمین و آب را وقف می‌کردند.

بسیار بالا دست به این اقدام می‌زدند و معمولاً یک سنت همگانی بود. به طوری که میزان وقفیات در سال‌های ابتدایی دوره کار شده رنگ و بوی بیشتری داشته و مردم در این زمینه فعالیت بیشتری داشته‌اند، اما با گذشت زمان این شرایط تغییر کرد و نهاد وقف کم‌رنگ‌تر شد. عدم استقبال مردم از وقف اموال در سال‌های اخیر، یعنی در فاصله زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۳۵ق، می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد که در موارد زیر قابل بررسی است:

۱. فقر و تنگای اقتصادی مردم: به نظر می‌رسد فقر اقتصادی و تنگنای معیشتی مهم‌ترین عامل کم‌رنگ شدن سنت وقف در جامعه است. مردم ایران، به ویژه مردم گناباد، در چند دهه اخیر با مشکلات اقتصادی زیادی از جمله، خشکسالی و کم‌آبی، نامساعد بودن زمین‌های کشاورزی برای کشت و کار، بیکاری، تورم و کاهش مداوم ارزش پول ملی روبه‌رو بوده‌اند، به همین علت بیشتر آنها بیش از آنکه به فکر وقف اموال خود باشند، در پی آن بودند که با مدیریت اموال خود بتوانند در روزهای سخت زندگی امورات روزمره را گذرانده و از خانواده خود در مقابله با مشکلات اقتصادی و معیشتی محافظت کنند.

۲. ذهن نگران و دغدغه نسبت به سرنوشت اموال وقفی: در دهه‌های اخیر ذهنیت نادرستی که شکل گرفته، بر این اصل استوار است که بعضی اموال وقفی در جهتی که باید به مصرف نمی‌رسد و به وسیله متولیان آن حیف و میل می‌شود. این ذهنیت با اینکه در بسیاری از موارد نادرست است، ولی باعث شبهه‌افکنی در دل مردم شده و

یا رشد موقوفات آستان قدس رضوی». پژوهشنامه

تاریخ. س ۹. ش ۳۴. ص ۷۹-۹۸.

شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۰). «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی». مجله جغرافیا و توسعه.

س ۹. ش ۲۵. ص ۱۷-۳۸.

شهابی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). «اوقاف در ایران». ایرانشهر. تهران: دانشگاه تهران.

شیخ الحکمایی، عمادالدین (۱۳۷۳). «وزارت اوقاف در

دوره زندیه»، میراث جاویدان. ش ۷، ص ۷-۱۲.

عبدالکبیری، محمد (۱۳۶۶). احکام وقف در شریعت اسلام. ترجمه احمد صادقی گلدار. ساری: اداره کل

اوقاف و امور خیریه مازندران.

عنصری، جابر (۱۳۷۳). «بررسی چند سند مربوط به وقف آب از دیدگاه جامعه‌شناسی و فرهنگ مردم».

مجله گنجینه اسناد، ش ۱۲. ص ۳-۱۳.

عنصری، جابر (۱۳۶۸). «وقف به تعزیه». میراث جاویدان. س ۱۵. ش ۶۰. ص ۴۰-۴۳.

فاریابی، مرضیه؛ هاشمی زرج‌آباد، حسن؛ شاطری، مفید؛

زارعی، علی (۱۳۹۶). «تأثیر نهاد وقف در پایداری

حسینیه‌های عصر قاجار بیرجند (مطالعه موردی

حسینیه بی‌بی عروس)». مجله مطالعات فرهنگی،

اجتماعی خراسان. دوره ۱۱. ش ۳. ص ۹۹-۱۱۷.

فرهنگ عمید، ذیل کلمه وقف.

کرمی، محمدمهدی (۱۳۸۳). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی.

تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

لمبتون، آن (۱۳۴۵). مالک و زارع در ایران. ترجمه

منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ملک‌زاده، الهام (۱۳۸۳). «نگاهی به وضعیت امور

خیریه رشت در دوران قاجاریه». گنجینه اسناد.

ش ۵۳. ص ۳۹-۵۳.

میرافخمی، سعیده (۱۳۸۳). آثار تربیتی اجتماعی وقف.

قم: مؤلف.

## منابع

قرآن کریم (۱۳۸۴). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

تهران: دهقان.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم

ناصری. تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی. ج ۳.

تهران: دنیای کتاب.

پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه؛ لباف خانیکی،

مجید؛ جلالی، عباس؛ لباف خانیکی، رجبعلی

(۱۳۸۸). قنات قصبه گناباد: یک اسطوره. مشهد:

انتشارات پاپلی.

پطروشفسکی، ایلیا پاولیچ (۱۳۵۵). کشاورزی و مناسبات

در ایران عهد مغول. ترجمه کریم کشاورز. تهران:

انتشارات نیل.

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). اشکال العالم.

ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. تعلیقات فیروز

منصوری. مشهد: آستان قدس رضوی.

ریاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸). وقف و سیر تحولات

قانونگذاری در موقوفات. شیراز: انتشارات نوید.

زمانی، عباس (۱۳۷۳). گناباد پیر تاریخ. به کوشش ناصر

زمانی. مشهد: نشر مرندیز.

ژیان‌پور، حمید (۱۳۹۴). «بررسی اسناد کمک‌های مالی

آستان قدس به زائران ایرانی در دوره قاجار با استفاده

از روش تحلیل محتوا (بازه زمانی ۱۲۶۴ تا پایان

۱۳۰۰ق)». گنجینه اسناد. س ۲۵. دفتر ۴. ص ۷۸-

۹۶.

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۶۲). دائرةالمعارف

سرزمین و مردم ایران. تهران: علم و زندگی.

سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۰). نگاهی به وقف و آثار

اجتماعی - اقتصادی آن، انتشارات آستان قدس

رضوی، مشهد.

سوزنجی کاشانی، علی؛ شعبانی، رضا (۱۳۹۳). «تأثیر

سیاست‌های وقفی نادرشاه و علیشاه افشار بر کاهش

اسناد:	
اسناد اداره اوقاف شهرستان گناباد	سند کلاسه ۳۱/ن، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۴/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۳۳/ن، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۵/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۲/ب، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۷/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۱۶/ب، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۸/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۳۹/ب، اداره اسناد گناباد.
سند کلاسه ۱۳/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۵۲/ب، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۲۱/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۵۷/ب، اداره اوقاف گناباد.
سند کلاسه ۳۰/ن، اداره اوقاف گناباد.	سند کلاسه ۹۲/ب، اداره اسناد گناباد.
	سند کلاسه ۹۳/ب، اداره اسناد گناباد.